

زمینه‌های بایسته تربیت کودک در مرحله پیش از تولد از منظر قرآن

افضل بلوکی *

محمدعلی مصلح‌نژاد **

چکیده

نوشتار پیش رو، به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به آیاتی از قرآن کریم به این پرسش که زمینه‌های تربیتی کودکان پیش از تولد چیست، پاسخ گفته است. بیان اهمیت فرزندآوری از دیدگاه اسلام و وظایف اساسی دختران و پسرانی که برای تشکیل خانواده و امر خطیر فرزندآوری تصمیم گرفته‌اند، از جمله موضوعات طرح شده در این مقال است؛ وظایفی مانند تزکیه و خودسازی، تلاش برای رشد و تقویت روحیه تقوا، عفت و پاکدامنی و نهادینه کردن شخصیتی معنوی که از دوران نوجوانی و جوانی شکل می‌گیرد و جانمایه‌ای برای تربیت نسل آینده است. هم‌چنین مذاقه در امر ازدواج و همسرگزینی و مراقبت‌های دوران بارداری، اهمیت تغذیه و تأثیر آن در روح و جسم کودک، اهمیت محیط، جامعه و نقش وراثت از منظر قرآن، از دیگر بخش‌های نوشتار است.

Boluki1390@gmail.com
moslehn@gmail.com

*- عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

** - عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۰۷

واژه‌های کلیدی

زمینه‌های تربیت، دوران بارداری، تغذیه، وراثت، فرزندآوری، همسرگزینی.

مقدمه

در بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، برنامه‌های بهداشتی در سطحی بسیار وسیع اجرا می‌شود و افراد جامعه از کودکی تا پایان زندگی تحت مراقبت‌های لازم قرار می‌گیرند و حتی برای مادران باردار برنامه‌های بهداشتی ویژه جهت مراقبت بیشتر مادران و کودکان وجود دارد، کارشناسان بهداشت با استفاده از واکسن‌های مختلف، کودکان را در مقابل بیماری‌هایی از قبیل کزاز، دیفتری، فلج اطفال و نظایر آن مقاوم می‌سازند. سازمان‌های بهداشتی با دقت در مواد غذایی و سالم‌سازی محیط زیست، مانع بروز امراض می‌شوند و در صورت بروز بیماری، با مبارزه‌درمانی تلاش می‌کنند او را معالجه نمایند. این امر، پیشگیری و درمان در امور بهداشتی و جسمانی است، برای امراض اخلاقی نیز باید برنامه پیشگیری و درمان به موقع به اجرا درآید. قرآن کریم برای مراحل پیش از تولد و پس از آن برنامه‌های تربیتی ویژه‌ای دارد و بهداشت روح و روان همانند بهداشت جسم از نظر قرآن مورد اهتمام است. این امر مدنظر روانشناسان نیز قرار گرفته است. والدین نخستین مسئولان اجرای برنامه‌های تربیتی و بهداشتی کودکان هستند؛ آن‌ها مکلف‌اند پیش از تولد کودکان خود، زمینه‌های مناسب تربیتی و رشد اخلاقی آنان را فراهم و پس از تولد نیز بهداشت جسم و جان آنان را مدنظر قرار دهند و به موازات پیشگیری از امراض جسمانی از نفوذ عادات بد و زیانبخش پیشگیری کنند و موجبات مصونیت آنان از سیئات اخلاقی را فراهم آورند.

در این مقاله تلاش شده است تا زمینه‌ها و اهمیت جنبه‌های تربیتی کودکان از منظر قرآن کریم واکاوی شود. البته در احصای مراحل و شیوه‌های تربیت در این مقاله صرفاً به مواردی پرداخته شده است که



دلالتی صریح از آیات بر آن وجود دارد و از ذکر سایر قلمروهایی که در کتب و آثار تربیتی ذکر شده است، خودداری کرده‌ایم.

اهمیت فرزندآوری در اسلام

در قانون الهی فرزند از والاترین و ارزشمندترین جایگاه برخوردار است و فرزندآوری از خطرترین مسئولیت‌ها و رسالت‌هاست. در جهان‌بینی الهی فرزند به مثابه امانت هدیه‌گونه و هدیه امانت‌گونه‌ای است که از ساحت لطف و کرم خداوندی به والدین اهدا می‌گردد و نگه‌داری و پرورش او، پدران و مادرانی شایسته را می‌طلبد.

(لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاتًا وَ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاتًا وَ يَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ) (شوری: ۵۰-۴۹)؛ «فرمانروایی [مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن خداست؛ هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد؛ یا آنها را پسر[ان] و دختر[انی] توأم با یکدیگر می‌گرداند و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد، اوست دانای توانا».

فرزندآوری در تفکر اسلامی متضمن دعا و نیایش، برنامه‌ریزی و برخوردار از اندیشه تربیتی و کمال‌طلبی است. به همین دلیل، همواره بندگان ناب خدا، با ایمان به این مهم، در اندیشه تربیت و پرورش فرزندان صالح و با کمال هستند؛ فرزندان که وجودشان روشنی‌بخش حیات دنیوی و اخروی و از جنبه روانی، مایه آرامش باشند و آن‌گونه که در قرآن کریم نیز آمده است؛ (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) (فرقان: ۷۴)؛ «و کسانی که می‌گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».

همان‌گونه که در احادیث نیز بدان تصریح گردیده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ⁹ فرمودند: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ» (حلی، ۱۴۰۷: ۸۶)؛ «نشانه سعادتمندی انسان داشتن فرزند صالح است». و در جای دیگر فرمودند: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانٌ مِّنْ رِّيَاحِينَ الْجَنَّةِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱۸)؛ «فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است». از امام صادق ⁷ روایت شده است که فرمودند: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ مِيرَاثُ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ إِذَا قَبَضَهُ»؛ (طبرسی، ۱۳۴۴: ۲۷۶)؛ «فرزند شایسته میراث خداوند است که در هنگام قبض روح از مؤمن برجای می‌ماند». و در روایتی دیگر، فرزند شایسته را میراث الهی مؤمن می‌داند که برای او استغفار می‌کند. ایشان می‌فرماید:

«مِيرَاثُ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ يَسْتَغْفِرُ لَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۸۱)؛ «میراث خداوند از بنده مؤمنش فرزند شایسته اوست، که برای او آمرزش خواهی می‌کند.»

این ارزش بدان پایه است که در روایتی از امام صادق ⁷ آمده است که خداوند متعال به حوا ³ فرمود:

«هر زنی که هنگام زایمان از دنیا برود، با شهدا محشور می‌شود، هر زنی که در رابطه با زایمان فرزند خود به مشقت یفتد، پاداش شهیدان در نامه اعمال او ثبت می‌گردد و اگر زایمان او با موفقیت پایان یابد، گناهان او مورد بخشایش الهی قرار می‌گیرد؛ هرچند که زیاد باشد.» (بروجردی، بی تا: ۳۸۹)

در تبیین ارجمندی فرزندآوری در اسلام و هماهنگی آن با ابعاد فطری و روان‌شناختی، همین بس که حضرت ابراهیم ⁷ از خداوند به خاطر این‌که اسماعیل و اسحاق را به او موهبت فرمود، سپاس‌گزاری می‌نماید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ) (ابراهیم: ۳۹) یا آن‌جا که حضرت زکریا ⁷ از خداوند می‌خواهد به او ولیی عطا نماید تا وارث او و آل یعقوب گردد: (وَإِنِّي

خَفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثَنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (مریم: ۵-۶)؛ «و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زخم نازاست، پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش، که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد و او را ای پروردگار من، پسندیده گردان».

فرزند صالح می‌تواند مایه آسایش و نجات انسان از صحنه‌های مخوف زندگی دنیا و نیز رهایی او در آخرت گردد. برای همین است که خداوند زکریا را به وجود فرزند بشارت می‌دهد: (يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا) (مریم: ۷)؛ «ای زکریا، ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می‌دهیم که قبلاً همنامی برای او قرار نداده‌ایم»

دلایل ضرورت فرزندآوری

گسترش نسل و فرزندآوری از جنبه‌های متفاوت فردی، اجتماعی، دینی، سیاسی، اقتصادی، عاطفی و نظایر آن قابل توجه است که به پاره‌ای از ابعاد آن می‌پردازیم.

۱. بقا و تداوم دین

تردیدی نیست که بقای هر دین و آیینی در گستره زمان و زمین، به وجود پیروان آن وابسته است. اگر آیینی پیرو نداشته باشد که به آن عمل کند و در حفظ و نشر آن بکوشد و در مواقع بروز خطر از آن دفاع کند، خودبه‌خود از بین می‌رود و نامی از آن باقی نمی‌ماند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

«نَاكِحُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حَتَّىٰ بِالسَّقَطِ» (فیض

کاشانی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۵۳)؛ «ازدواج کنید تا ازدیاد یابید، همانا من به وجود شما

در روز قیامت مباحثات می‌کنم، حتی به کودکی سقط شده.»



قرآن کریم حفظ، بقا و پایداری ادیان را همواره وابسته به وجود پیروانی فداکار می‌داند و می‌فرماید: (وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا) (حج: ۴۰)؛ «و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد».

اهمیت فرزندآوری چیزی نیست که فقط مورد اهتمام دین اسلام باشد، بلکه این امر از منظر همه ادیان، هم‌چنین بسیاری از صاحب‌نظران از اهمیتی ویژه برخوردار است. به عنوان مثال، ویل دورانت می‌گوید: بعضی از زنان و بسیاری از مردان می‌پندارند که میلی به فرزند ندارند، ولی کمتر مرد و زنی پیدا می‌شود که به محض این که صاحب فرزند ناطلیده و پردرد سر شد، آن را خوشایند و مطلوب نداند. بی‌طرف‌ترین فیلسوفان جانب فرزندان خود را می‌گیرند. اگر بچه مریض باشد، محبت به وی و در نتیجه دقت و مواظبت از او، بیشتر می‌گردد. (دورانت، ۱۳۷۰: ص ۹۷)

۲. تداوم حیات و بقای نسل

یکی از گرایش‌هایی که در موجودات زنده به طور غریزی نهادینه شده است و همه جانداران در این راستا به گونه‌ای تعریف شده و غیراختیاری فعالیت می‌کنند، حفظ و بقای نسل است که این موضوع در خصوص انسان به دلیل اختیاری که دارد، می‌تواند دچار انحراف و دگرگونی شود و نیازمند هدایتی ویژه است تا از مسیر تعادل خارج نشود. مع‌الاسف، بشر امروز به دلایل گوناگون این مسئله حیاتی را دچار افراط و تفریط‌هایی کرده و کسانی هستند که با شعارهای به‌ظاهر خیرخواهانه از فرزندآوری منع می‌کنند و با بهانه‌های مختلف نسل‌کشی پنهان را دامن می‌زنند. در نظریه‌پردازی‌های کلان اقتصادی، محدودیت منابع اقتصادی در سطح جهانی و مشکلات اقتصادی متعاقب آن چون

قحطی را مطرح و به کنترل موالید فتوا می‌دهند. رشد منفی جمعیت در برخی کشورها و فقدان نیروی کار یکی از آشفتگی‌های حاصل از این سیاست است. همان‌گونه که بشر برای جلوگیری از انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری باید پیشگیری‌های لازم را صورت دهد، به طریق اولی باید برای حفظ حیات خود نیز برنامه‌ای مدوّن برای فرزندآوری داشته باشد. ازدواج و در پی آن فرزندآوری و تشویق به آن تنها راه نجات انسان از این تهدید است.

۳. استحکام بنیان خانواده

وجود فرزند انگیزه‌ای قوی برای پایداری بنای خانواده است. شاید بتوان تصور کرد که این امر حدوثاً، نقشی عمده برای شکل‌گیری ازدواج و تشکیل زندگی ندارد؛ اما بقائاً نقشی کارآمد، انگیزه‌ای نیرومند و انرژی مضاعفی برای تداوم زندگی را بر عهده دارد.

۴. آرامش و شادمانی

یکی از عوامل ایجاد یا ازدیاد آرامش و شادمانی و شور زندگی، ورود فرزند به خانواده است. آرام‌بخش روح و روان زوجین و شادی‌آفرین آنان در عرصه‌های متفاوت زندگی، وجود فرزندان سالم و بانشاط است. در تعبیر دینی، فرزندان نور چشم والدین به شمار می‌آیند: (رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ) (فرقان: ۷۴). به قول ویل دورانت، زناشویی بدون فرزند پژمرده است و پس از آوردن فرزند شکفته می‌گردد. ازدواج پس از بچه‌دار شدن دارای معنای حقیقی می‌گردد، خانه به وسیله آنان، پر از خنده و نشاط می‌گردد. (دورانت،

۱۳۷۰: ۱۷۹-۱۷۸)

۵. زینت زندگی

(الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلًا) (کهف: ۴۶). خداوند متعال در این آیه شریفه، مال و فرزندان را زینت زندگی دنیایی دانسته؛ هر چند که در ادامه، اعمال شایسته را مهم تر معرفی می نماید. با وجود این، مال و فرزندان برای زندگی دنیا زیور و برای آخرتی نیکو، مقدمه و وسیله است. آری، اگر فرزندان، تربیتی شایسته داشته باشند و با ایمان و صالح باشند، در ذیل عنوان «الباقیات الصالحات» قرار گرفته، هم زینت دنیابند و هم زینت آخرت.

۶. اقتدار

اقتدار هر خانه، شهر، کشور و حتی هر کیش و آیینی نیروی جوان آن است. بنابر این، یکی از دلایل اهمیت و آثار فرزندآوری در تأمین نیروی جوان است. خانواده‌ها با داشتن جوانان سالم و صالح، احساس توانمندی و افتخار می کنند. قرآن کریم داشتن مال و فرزند را نشانه امداد الهی خانواده و جامعه می داند: (ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا) (اسرا: ۶). امام حسن عسکری ۷ در حق یکی از اصحاب چنین دعا کردند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَ كَدَاً يَكُونُ لَهُ عَضُدًا فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَكْدُ» (عاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۵: ۹۸)؛ «خداوندا به او فرزندی عطا کن تا بازوی او باشد که بهترین بازو و پشتیبان فرزند است.» هم چنین اقتدار هر ملت و کشوری به توانمندی علمی، پیشرفت صنعت و فن آوری، قدرت اقتصادی و نیروی کار جوانان با غیرت، عالم، مؤمن، صالح و ایشارگر آن است. ایستادگی ملت‌ها در برابر ظلم و تزویر اجانب ستمگر و قدرت سیاسی آن‌ها وابسته به جوانان فداکار است و این همه به دست نمی آید جز با اهتمام به فرزندآوری متناسب و تدارک برنامه‌های تربیتی مناسب برای آنان.

۷. امنیت

یکی از دلایلی که اهمیت فرزندآوری را نشان می‌دهد، نیاز به امنیت است. وجود نیروی انسانی در تأمین این امر مهم بر کسی پوشیده نیست؛ چه در برابر خطر تهاجم دشمنان و کشورهای بیگانه، چه حفظ و تأمین ایمنی خانواده در برابر هر خطری که ممکن است آن را تهدید کند. بدیهی است که وقتی در خانه‌ای چند جوان باشد دزدان مال، ناموس و اعتقادات، کمتر جرأت ورود به حریم آن خانه را خواهند داشت.

امام صادق 7 فرمودند:

«هرگاه یکی از شما پس از مدتی صاحب فرزند نشد، بگوید: خدایا مرا تنها وامگذار، به من جانشین درست - چه دختر باشد یا پسر - عطا فرما، تا با آنان مأنوس شوم، از وحشت در امان بمانم و با آنان از تنهایی بیرون آیم و تو را هنگام اتمام نعمت شکر گزار باشم.»

۸. کاهش نرخ طلاق

یکی از عوامل بازدارنده طلاق، فرزندآوری است. مبرهن است که برای زوجین در ابتدای تشکیل خانواده، با تمام عشق و علاقه‌ای که غالباً نسبت به هم دارند، تزاحم و تصادم آراء و افکار وجود دارد و این به دلیل علایق و سلیق متفاوت و بهره‌وری از امکانات تربیتی مختلف است و وجود این زمینه‌ها باعث وقوع اختلافاتی میان آنان می‌شود. یکی از عواملی که نقشی ویژه و بی‌بدیل در حفظ خانواده از فروپاشی دارد، وجود فرزند است. خانواده‌ها و مشاوران آگاه و فرهیخته با توصیه و تذکر این امر که وقتی بچه‌دار شوید، اختلافات کم‌رنگ شده و کم‌کم از بین می‌رود، زوجین جوان را به تحمل و صبوری دعوت می‌کنند. این نوع برخورد، از قضاوت‌ها و طلاق زود هنگام جلوگیری می‌نماید تا به مرور زمان اختلافاتی که در بدو امر مهم می‌نمود، کم‌جلوه و بی‌اهمیت شود.



زمینه‌سازی تربیت فرزندان پیش از تولد

زمینه‌سازی برای پرورش و تربیت فرزندان حائز اهمیت بسیار است. تقریباً نیمی از مسائل تربیتی کودکان، به قبل از تولد آنان مربوط می‌شود و نیمی دیگر را باید بعد از تولد برنامه‌ریزی نمود؛ اما منظور از زمینه‌سازی چیست؟

به بیان قرآن کریم در نتیجه بعضی از رفتارهای غیراخلاقی قبل از تولد فرزند، هم‌چون زنا و رباخواری، شیطان شریک در اموال و اولاد انسان می‌شود. در این باره در سوره اسرا، آیه ۶۴ آمده است: (وَاسْتَفْزِزْ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا).
بعضی از زمینه‌سازی‌ها برای ایجاد یک نسل سالم عبارتند از:

۱. پرورش خود

اولین زمینه برای تربیت فرزندان شایسته، این است که دختران و پسران سال‌ها قبل از ازدواج به تربیت و پرورش و تزکیه خود پردازند؛ چون از پدران و مادران شایسته، انتظار فرزندان شایسته است. دختران و پسران، همان پدران و مادران آینده هستند. آنان مأمون و محل پرورش فرزندان‌اند. فرزندان از روح و جسم والدین خود تأثیر می‌گیرند. اخلاق و خصوصیات والدین در فرزندانشان از طریق وراثت منتقل می‌شود. وقتی پدر و مادر تربیت شده باشند، خواهند توانست کودکانی شایسته تربیت کنند و می‌توانند با رعایت حقوق و حدود یکدیگر، با احترام به همدیگر و محبت‌ورزی نسبت به هم از کانونی گرم و صمیمی برخوردار باشند؛ کانونی که رعایت این مسائل در آن در تربیت فرزندان تأثیری فراوان دارد؛ کانونی که اولین مهد و مأمون تربیتی کودکان بعد از تولد است. بنابر این، کسانی که خواهان فرزندانی صالح و سالم هستند، پیش از شروع بارداری مدتی را به تزکیه و تهذیب پردازند و از سلامت



جسم و روح خود اطمینان حاصل نمایند تا آمادگی پرورش جنین در رحم مادر پدید آید و جنین از نطفه‌ای پاک تکوین یابد. آنان باید از محرمات و شبهات دوری کنند، تن به انجام واجبات و مستحبات بسپارند و جان خود را بایاد خدا جلا دهند؛ چنان که حضرت ابراهیم 7 عرض کرد: (يَا رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) (ابراهیم: 40)؛ «خدایا من و ذریه ام را برپادارنده نماز قرار بده». یعنی اول از خودش آغاز کرد، سپس فرزندان.

هم‌چنین حضرت مریم 3 هنگامی که از همه خویشانش به کنج تنهایی روی آورد و خود را برای خودسازی و کسب تقوای بیشتر از انظار پنهان کرد، روح خدا بر او تجسم یافت: (وَإِذْ كَرَّمْنَا مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا) (مریم: 16-17)؛ «و در این کتاب از مریم یاد کن، آن‌گاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد».

همان‌گونه که از تفاسیری مانند تفسیر نور و نمونه برمی آید، عزلت‌گزینی حضرت مریم به خاطر کسب تقوا و خودسازی زمینه ساز شایستگی او برای تربیت فرزندی چون حضرت عیسی 7 شد. (قرائتی، 1383، ج 7: 253)

بنابراین، پدر و مادر باید تربیت را از خودشان آغاز کنند تا بتوانند مریانی شایسته جهت تربیت فرزندان خود باشند. پیامبر اکرم 9 به ابوذر فرمودند: وقتی انسان صالح و نیکوکار شد، خدا به واسطه صالح بودن او، فرزندان و فرزندزادگان را نیز به صلاح خواهد آورد.

۲. انتخاب همسر شایسته

ازدواج حق طبیعی هر انسانی است؛ اما یکی از اهداف ازدواج فرزندآوری و تربیت فرزندان است که مسئولیتی بس بزرگ است. از



این رو، کسی که قصد ازدواج دارد باید به دقت تحقیق و بررسی نماید و همسری مناسب و شایسته خود برگزیند؛ همسری که آینه فرزندان او خواهد بود و فرزندان از اخلاق و خصوصیات ظاهری و باطنی او تأثیر خواهند پذیرفت. جوانان پیش از آن که فردی را به همسری خود انتخاب کنند باید از اصالت خانوادگی و نحوه تربیت او آگاه شوند و ندای فرزندان را که ثمره ازدواج آنان خواهد بود، با گوش جان بشنوند که از ازدواج چه می خواهند. آنان به زبان حال، شما را این گونه می خوانند: ای پدر و مادری که تصمیم به ازدواج دارید و می خواهید فرزندی چون مرا به دنیا آورید، آیا در انتخاب همدیگر دقت لازم را به عمل آورده اید؟ خواهش می کنم به خاطر احساسات زود گذر جوانی، از من وجودی ناسالم پدید نیاورید! زندگی مرا دچار آشفتگی نسازید! من که حق انتخاب پدر و مادری را ندارم، شما با انتخاب درست خود به من کمک کنید. آری، فرزندان حق دارند والدینی مؤمن، صالح، صبور، ایثارگر و خوش فکر داشته باشند.

پیامبر اکرم ﷺ درباره انتخاب همسر شایسته توصیه فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا كُمْ وَخَضْرَاءُ الدَّمَنِ! قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۳۲)؛ «ای مردم از خضراء الدمن پرهیزید! عرض شد: ای رسول خدا، مقصود از خضراء الدمن چیست؟ فرمود: زن زیبا و خوب روی که در خانواده ای بد و محیطی فاسد پرورش یافته است».

پیامبر اکرم ﷺ به نقش وراثت و مسائل ژنتیک اشاره و تأکید نمودند که در انتخاب همسر باید نهایت دقت روا شود و فرمودند: «أَنْظُرْ فِي أَى نِصَابٍ تَضَعُ وَكَذَلِكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (مجیدی خوانساری، ۱۳۸۵: ۳۲۵)؛ «بنگر که فرزندان را در چه جایگاهی قرار می دهی»، همانا ژن تأثیرگذار است. در بیان دیگری از آن حضرت به همین فلسفه



اشاره شده است: «تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۴۵)؛ «با خانواده‌های شایسته ازدواج کنید». نیز فرمودند: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيْمَتَهُ مِنْ فَاسِقٍ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهُ» (طبرسی، ۱۳۴۴: ۲۰۴)؛ «کسی که دختر خود را به ازدواج فاسقی در آورد، از وی قطع رحم نموده است»؛ یعنی باعث نابودی نسل او شده است. ایشان فاسق شدن نسل را به معنای نابودی آن بیان فرمودند.

از سوی دیگر، از ازدواج با زنان احمق به شدت تحذیر شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّاكُمْ وَتَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ، فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدُهَا ضِيَاعٌ» (راوندی کاشانی، بی تا: ۱۳)؛ «از ازدواج با زن احمق پرهیزید؛ زیرا همنشینی با او بدبختی و فرزندش، تباهی است».

در این شرایط، تأثیرگذاری بسیاری از محرک‌های محیطی و عوامل عاطفی و روانی بر جنین، فوق‌العاده چشمگیر می‌شود. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که جنین پس از چهار ماهگی به طور فوق‌العاده‌ای از شرایط عاطفی - روانی مادر متأثر می‌گردد: (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ) (نور: ۳)؛ مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به زنی نگیرد و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است. و هم‌چنین فرمود: (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) (نور: ۲۶)؛ زنان ناپاک از آن مردان ناپاک‌اند و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک‌اند. اینان از نسبت‌های ناروایی که به آنها داده شود، مبرا هستند و برای آنها آمرزش و روزی‌ای پرازش است.

همان‌طور که از آیات شریفه پیداست برای ازدواج باید همسری



پاکدامن و مناسب انتخاب نمود. یک دلیل مهم این اوامر الهی همان است که در سخنان پیامبر ۹ آمده است.

مأمون عباسی در جلسه‌ای در حضور علمای اسلامی در مرو، آنان را مورد خطاب قرار داد و پرسید: به نظر شما مهم‌ترین گناه کدام است؟ آنان در پاسخ گفتند: عظیم‌ترین گناه، قتل و آدم‌کشی است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: (وَمَنْ يَثْقُلْ مَوْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا) (نساء: ۹۳). سپس مأمون نگاهی به امام رضا ۷ کرد و پرسید: نظر شما چیست؟ امام ۷ فرمود: به نظر من مهم‌ترین و خطرناک‌ترین گناه، فحشا و زناکاری است؛ زیرا قاتل با عمل خود یک فرد را کشته است، ولی زانی با کار خود، نسلی را تا روز قیامت فاسد کرده است: «و الزانی قد فسد النسل الی یوم القیامه». (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۷۱)

بر همین اساس است که وقتی از امام صادق ۷ پرسیدند: آیا رواست که شیر زنی را که از راه نامشروع فرزنددار شده است به طفل خود بخورانیم؟ امام ۷ در پاسخ فرمودند: نه تنها شیر این زن فاسد است، بلکه اگر مولود او دختر باشد، از شیر او نیز باید پرهیز کرد که آن نیز فاسد است. (فیض کاشانی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۹۴)

عواقب شومی که به خاطر این عمل، دامان فرد و جامعه را می‌گیرد بر کسی پوشیده نیست. همان گونه که در تفاسیر آمده است، پیدایش این عمل زشت و گسترش آن بدون شک نظام خانوادگی را در هم می‌ریزد، رابطه فرزند و پدر را مبهم و تاریک می‌کند و فرزندان فاقد هویت را که طبق تجربه، جنایتکارانی خطرناک می‌شوند در جامعه افزایش می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۴: ۴۲۱) به هر حال، قرآن کریم به پدران و مادران را به عنوان کسانی که نقش اصلی در تربیت فرزندان - چه از نظر وراثتی و چه از نظر تربیتی - پس از تولد به عهده دارند می‌نگرد و دقت نظر در امر ازدواج را که زمینه مهم گسترش نسل

انسان بوده و نقشی بسزا در سرنوشت او دارد لازم می‌داند؛ همان گونه که در سوره مریم به این جایگاه مهم اشاره شده است. آن گاه که یهودیان، مسیح 7 را در دامن مریم 3 دیدند با شگفتی گفتند: «يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا» (مریم: 28)؛ «ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره».

اشاره آیه به این است که اگر پدران و مادران، افرادی پاک باشند، بعید است که فرزندانشان ناصالح شود. از والدین و خانواده شایسته جز فرزند شایسته انتظار نمی‌رود. (مکارم شیرازی، 1384، ج 7: 260)

هم چنین در سوره مبارکه نوح می‌فرماید: (وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَآ تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوْا عِبَادَكَ وَ لَآ يَلِدُوْا إِلَّا فَاكِرًا كَفَّارًا) (نوح: 26-27)؛ و نوح گفت: پروردگارا، هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار؛ چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزنند.

همان گونه که از ظاهر آیه پیداست، پدر و مادر و به‌ویژه مادر، عمیق‌ترین تأثیر را در تربیت فرزندان خود دارند. در اهمیت نقش زمینه‌ساز پدر و مادر خداوند متعال می‌فرماید: (وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الْذِي خَبَثٌ لَّا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُنصِرُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُشْكُرُوْنَ) (اعراف: 58)؛ «و زمین پاک [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید»؛ این گونه، آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزارند گونه‌گون بیان می‌کنیم.

در روایات اسلامی نحوه همسرگزینی بسیار مورد سفارش قرار گرفته و خصوصاً به تأثیر شیر مادران در تربیت فرزندان پافشاری شده است؛ چنان که در روایتی از پیامبر اکرم 9 آمده است که فرمودند: «اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الضَّجِيعِينَ» (نجفی، بی تا، ج 29: 37)؛ همسرانی شایسته برای خود برگزینید، زیرا دایی یکی از دو همخوابه

است. کنایه از این که فرزندان انسان از نظر خصوصیات جسمی و ویژگی های روحی، بیشتر به برادران زن شباهت پیدا می کنند. بنابراین، در گزینش زن باید بسیار دقت نمود. آنسل یکی از روانشناسان غربی می گوید: ما نمی خواهیم زنان در دنیا بسان لاله ها در باغ باشند و فقط منظره ای زیبا بسازند و به هیچ درد نخورند، بلکه باید مسئولیت سازندگی نسلی را بر عهده گیرند و برای بشریت همان چیزی را به ارمان آورند که مورد نیاز و آرزوست. (قائمی، ۱۳۷۸: ۳۲)

پس هدف از ازدواج و انتخاب همسر فقط ارضای تمایلات جنسی نیست، بلکه زیرسازی و بناگذاری جامعه ای مترقی و ایمن از آلودگی ها و نابسامانی هاست و این مهم میسر نمی شود مگر با برنامه ریزی درست و منطقی در همه امور زندگی که انتخاب همسر یکی از آن امور است.

۳. مراقبت های ویژه دوران بارداری

دوران بارداری در شکل گیری جسم و روح کودک خیلی مهم است. با توجه به توصیف نیکوی قرآن مجید از مراحل تکوین جنین و نیز بر اساس مطالعات انجام شده، شکل جنین پس از ماه چهارم شبیه قیافه آدمی می شود و به تدریج جنین در شکم مادر به جنبش در می آید و مانند انسانی کوچک به حیات درون رحمی خود ادامه می دهد. از اواخر هفته شانزدهم مادر می تواند حرکات جنین را احساس کند. در واقع، با دمیدن روح به جنین، تحولی عظیم در روند رشد آن ایجاد می گردد. توان فوق العاده نوزاد در برقراری ارتباط اجتماعی در ماه های آغازین زندگی بعد از تولد، تشخیص صدای مادر در لابه لای صداهای مختلف و حساسیت نشان دادن به آن، خود گویای آن است که آنها بخشی از توان و تجربه ارتباطی (یادگیری) را قبل از تولد کسب کرده اند.

کودکان در دوران جنینی قادرند که با دنیای خارج در ارتباط باشند و اطلاعات مؤثری را در حافظه خود نگاه دارند. برخی از یافته های تحقیقاتی بیانگر این حقیقت است که بچه ها در داخل رحم به طور



محسوس نیاز خودشان را به ارتباط با جهان خارج از رحم و به خصوص مادر نشان می‌دهند. از این رو، مادران بارداری که جنین خود را نوازش می‌کنند و با جنین خود سخن می‌گویند، وقتی که فرزندانشان پا به دنیای جدیدی می‌گذارند، خیلی زود با آنان مانوس شده، احساس غریبگی نمی‌کنند. (افروز، ۱۳۸۲: ۱۰۹-۶۲)

تاریخ حیات انسان‌ها گواه این حقیقت است که سلامت، سعادت، پویایی فرهنگی و نیک فرجامی جوامع، عمدتاً در گرو وجود پربرکت مادران بصیر، فهیم و متعهد است. به بیان دیگر، رشد و شکوفایی و شکل‌گیری شخصیت کودک از رحم مادر آغاز می‌گردد و در دامان پرمهرش تداوم می‌یابد. بنابر این، همه بانوان باردار باید دوران بارداری را سال اول حیات پر فراز و نشیب فرزند خود محسوب کنند و لحظه‌ای از اندیشه و رفتارهای تربیتی غافل نباشند؛ زیرا مادر باید توجه کند که سعادت یا شقاوت، خوشبختی یا تیره‌بختی فرزند آینده‌اش تا حدود زیادی به احوال، رفتار و کردار او در این دوران بستگی دارد. همان‌گونه که پیامبر اسلام ۹ فرمود: *الشَّقِيُّ شَقِيٌّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَ السَّعِيدُ سَعِيدٌ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ تیره‌بخت کسی است که در شکم مادرش تیره‌بخت می‌شود و خوشبخت کسی است که در شکم مادرش خوشبخت می‌شود.*

امام صادق 7 در ذیل آیه شریفه *(هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)* (آل عمران: ۶) می‌فرماید: در چهار ماهگی مصور می‌آید در شکم مادر و صورت‌بندی می‌کند، وقتی صورت‌بندی شد، خطاب می‌شود به این فرشته که نگاه کن به صورت مادر و سرنوشت سعادت و شقاوت کودک را در پیشانیش بنگار. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج: ۱، ۳۱۶)

مرحوم فلسفی می‌فرماید:

«می‌توان گفت نیمی از خوشبختی‌ها و بدبختی‌های آدمی، مربوط به دوران رحم و نیمی دیگر مربوط به طرز تربیت و شرایط محیط زندگی است.» (فلسفی، بی تا، ج: ۱، ۹۱)



حفظ آرامش در محیط خانواده، گفت و گوی آرام و دلنشین همسران با یکدیگر و اجتناب از صداهای نابهنجار و مهممه، دوری گزیدن از محیط‌های آلوده به غیبت و خشونت و پرخاشگری، نفی افسردگی و گوشه‌نشینی، برخورداری از نشاط و سرزندگی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین عوامل رشد مطلوب کودک در مراحل مختلف تحول، به‌ویژه در دوران جنینی و سال‌های حساس پیش‌دبستانی و دبستانی به شمار می‌آید.

مطالعه زندگینامه بزرگان و اندیشمندان حاکی از مراقبت‌های ویژه در دوران جنینی آنان از سوی والدین مخصوصاً مادران است. رحم مادر دنیای کوچک جنین است و جنین در آن تک و تنهاست. او سروصداها را می‌شنود و حساس است. بنابراین، پدر در ایجاد امنیت و آرامش برای مادر و جنین نقش مهمی دارد.

اسلام عزیز جهت حفظ سلامت مادر در دوران بارداری و رشد جنین از جهت جسم و عقل و زیبایی کودک در رحم دستورات خاصی در تغذیه روحی و مادی مادر دارد. نوع پوشش مادر و رنگ آن، رفت و آمد مادر، رفت و آمد افراد محرم و نامحرم در محیط خانه در ایام بارداری و آنچه که باید به آن دقت شود، مسائلی است که فرهنگ پاک حق نسبت به آن راهنمایی دارد. اگر مادر در ایام حمل، از ذکر خدا، شرکت در مجالس الهی، خواندن قرآن، توجه به واجبات و حفظ آرامش غفلت نورزد، در روان و مغز کودک و رشد روحی و معنوی او اثری بسزا دارد.

ندای کودکان شما و خواهش و تمنای آنان از شما پیش از تولدشان، این است که اگر دوست دارید من فرزند خوبی برایتان باشم، اگر دلتان می‌خواهد نسل مؤمن و خداجویی داشته باشید، مراقب اعمال خودتان باشید. گناه شما در روح و جسمتان اثر می‌گذارد و همین باعث می‌شود که من فضای گناه را احساس کنم و تحت تأثیر آن قرار گیرم.

ما درباره‌ی الگوهای انسانیت - انبیا و امامان - اعتقاد داریم که آنان پیش از ولادت دارای چنین زمینه‌ها و ویژگی‌هایی بوده‌اند؛ همان گونه که وقتی که به اهل بیت عصمت و طهارت سلام می‌دهیم، اظهار می‌داریم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تَلْبَسْكَ مِنْ مُدْلِهَمَاتِ ثِيَابِهَا» (الطوسی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۷۲۱)؛ «گواهی می‌دهم که تو نوری بودی در صُلب‌های ارجمند و رحم‌های پاک که فرهنگ جاهلی با پلیدی‌هایش تو را نیالود و از پوشش‌های ظلمانش بر تو نپوشانید». پس سلامت و پاکی اصلا بگذشتگان و پدران و رحم‌های مادران در شکل‌گیری و رشد شخصیت فرزندان حائز اهمیت است. امکان ندارد کسی مطیع خدا باشد و در جنین اثری نگذارد. فکر نکنید این تأثیر صرفاً پس از تولد می‌تواند نقش‌آفرین باشد. خدا در برابر میزان اطاعت و بندگی شما فرزندان را صالح قرار می‌دهد. اگر شما پاک و مؤمنانه زندگی کنید و حلال و حرام خدا را رعایت کرده باشید، مطمئن باشید روح او هم اثر اعمال خیر شما را پیش از تولد دریافت خواهد کرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: رحمت خدا بر پدر و مادری باد که فرزند خویش را در انجام نیکی و خیر یاری نماید. (انصاریان، ۱۳۷۸: ۳۹۶) پدر و مادر باید توجه داشته باشند که گوشت و خون فرزندان از لقمه‌های غذای آنهاست. فرزند در دوران جنینی عضو رسمی بدن مادر است، کودک از غذای او تغذیه می‌کند؛ چه غذای روحی و چه غذای مادی.

این سخن پیامبر اکرم ﷺ را آویزه گوشمان کنیم که فرمودند:

«أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ. قِيلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

فَقَالَ يَاطْعَامِهِمُ الْحَلَالُ» (موحدی، ۱۳۸۶: ۲۴۵)؛ «فرزندان را از شکم‌های مادرانشان تربیت کنید. پرسش شد: چگونه چنین کاری ممکن است؟ حضرت فرمود: با خوراندن خوراک حلال به آنان».

روایت شده است که پیامبر اکرم ﷺ گلابی خود را تکه کرده و به جعفر ابن ابی طالب داد و فرمودند: «همانا خوردن گلابی، رنگ را جلا می‌دهد و فرزند را نیکو می‌گرداند». (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۳۷)

این روایات تأثیر تغذیه بر نطفه و تأثیر نطفه در رشد روح و جسم کودک را بیان می‌نماید. در روایات تأکید فراوانی بر این موضوع شده است که مواظب باشید نطفه فرزند با غذای حرام منعقد نشود. دربارهٔ پرهیز از حق‌الناس و مال حرام توصیه‌هایی فراوان شده است. امام صادق ع فرمودند: «كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِّيَّةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۸۹)؛ «درآمد حرام در نسل تأثیر می‌گذارد».

اگر انسان غذای حرام بخورد و از آن فرزندی متولد گردد، این کودک در روز قیامت، والدین خود را لعنت می‌کند و می‌گوید بازخواست مرا از پدرم انجام دهید؛ چراکه او با تغذیه حرام مرا به سوی جهنم سوق داد. (مظاهری، ۱۳۸۲: ۷۱-۷۵) بنا به گفتهٔ آدلر، مادر نخستین گذرگاه کودک به زندگی اجتماعی است. (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

بنابراین، یکی از چیزهای ضروری که کودک نیاز دارد غذای حلال است.

۴. آمادگی و حصول اطمینان به داشتن فرزند

پدر و مادر برای این که بتوانند و بخواهند فرزندان شایسته پروراند و برای تربیت آنان دقت لازم و کافی را بنمایند و از جان و عمر و مال به درستی در این مسیر هزینه کنند باید مطمئن باشند که آمادگی کامل را برای بچه‌دار شدن دارند و برای آن برنامه‌ریزی کنند و ندای درونی کودک خود را پیش از تولد بشنوند که ای پدر و ای مادر، من برای این که فرزند شما باشم هیچ نقشی ندارم و قدرت تصمیم‌گیری ندارم. اما وقتی که فرزند شما شدم نیازمند محیطی امن و خانواده‌ای خوب و پدر و مادری مهربان و بادرایت هستم؛ پس شما که توان تصمیم‌گیری



دارید، اوّل باید خوب بیندیشید که آیا توان تربیت کردن و هزینه کردن برای مرا دارید؟ آیا به این نتیجه رسیده‌اید که وجود من برای تداوم حیات شما ضروری است؟ آیا جای خالی مرا احساس می‌کنید؟ آیا توان حل مشکلاتی که پس از تولد من پیش خواهد آمد را دارید؟ آیا می‌دانید که باید از بسیاری از برنامه‌ها و تفریح‌هایتان دست بکشید و به تربیت من پردازید؛ چرا که کودکی چون من، به مراقبت دائم و توجه همه جانبه شما نیازمندم، من به آرامش در کنار شما و تفریح همراه با شما و آموختن بسیاری از آموزه‌ها توسط شما نیاز دارم. اکنون با درک دقیق از این مشکلات و حصول اطمینان نسبت به ضرورت داشتن فرزند در کانون خانواده، آن را از خداوند منان بخواهید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ زَكَرِيَّا رَبًّا لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ هَبْ لِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا وَفِي أَمَانَتِي أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا زَكِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَلَا شَرِيكًا). (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۱۲۰)

بنابراین، کسی که برای داشتن فرزند تصمیم دارد، ابتدا از خداوند تمنا و درخواست فرزند صالح می‌نماید؛ همان‌گونه که حضرت زکریا به درگاه احدیت این چنین دعا می‌کند و قرآن کریم از زبان او می‌فرماید: (هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ) (آل عمران: ۳۸)؛ آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: «پروردگارا، از جانب خود فرزند پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی».

امام سجاد ۷ فرمود:

«خداوندا، ای که تو بهترین وارثی، مرا تنها مگذار و از سوی خویش برایم یاورری قرار ده که در حیاتم وارث من باشد و پس از مرگم برایم طلب آموزش کند. خدایا، او را جانشینی سالم قرار ده و از فریب شیطان محفوظ بدار».



نتیجه‌گیری

تربیت کودک از مسائل مهمی است که قرآن کریم بدان توجهی ویژه نموده است و برای مراحل مختلف آن توصیه‌هایی شایسته دارد؛ از جمله مسئله‌ای که چندین بار مد نظر قرار گرفته است زمینه‌سازی برای تربیت نسلی سالم و سپس تأکید بر نقش محوری والدین در تربیت کودک است که باید نسبت به نکات مهمی که در تربیت و نحوه رشد کودکان تأثیرگذار است، حساس بود و به آن اهتمام ورزید؛ نظیر عنایت به نقش مسئله تغذیه طیب و طاهر در رشد روح و روان کودکان و نیز رعایت مراحل تقوا و دقت در مسائل دینی و روان‌شناختی در دوران بارداری و حتی در انعقاد نطفه.

برنامه‌ریزی تربیتی فرزندان نیز مورد اهتمام ویژه قرآن و بیانگر میزان اهمیت آن است و سزاوار است انسان‌ها با برنامه‌ریزی دقیق مبتنی بر آموزه‌های این کتاب هدایت، شاهد جامعه‌ای پاک، بالنده و متخلق به اخلاق الهی باشند.

بنابراین، مهم‌ترین دستاورد مقاله این است که دختران و پسران جوان باید به آموزه‌های قرآن کریم توجه نمایند و تلاش کنند تا با پرهیزکاری و هوشیاری زمینه‌های ایجاد جامعه‌ای سالم و نسلی پاک را فراهم آورند و بدانند که نسل آینده آنان با توجه به رفتارهای امروزشان شکل می‌گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، *النهايه فى غريب الأثر و الحدیث*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، *من لا یحضره الفقیه*، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷، *عده الداعی و نجاح الساعی*، چ ۱، دارالکتب الاسلامی.
۵. اعرافی، علی رضا، ۱۳۷۶، *اهداف تربیت از دیدگاه قرآن*، چ ۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت.
۶. افروز، غلامعلی، ۱۳۸۲، *همسران برتر*، تهران: نوادر.
۷. انصاریان، حسین، ۱۳۷۸، *نظام خانواده در اسلام*، چ ۱۲، قم: انتشارات ام ابیها.
۸. باقری طاقانکی و ناصری نژاد، ۱۳۸۸، *برای تمام خانواده*، چ ۲، انتشارات نصایح.
۹. بروجردی، آقا حسین، بی تا، *جامع احادیث شیعه*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۱۰. بهشتی، احمد، ۱۳۷۷، *خانواده در قرآن*، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۱. جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷، *نسل نور*، دفتر سوم، چ ۳، مؤسسه نشر نگار نور.
۱۲. حسینی، سید داود، ۱۳۸۶، *روابط سالم در خانواده*، چ ۵، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۳. خمینی، روح الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، چ ۱۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۴.



۱۴. دوران‌ت، ویل، ۱۳۷۰، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران: سازمان آموزش و انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. دیلمی، حسن، ۱۴۱۲، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، ناشر الشریف الرضی.
۱۶. راوندی کاشانی، بی تا، فضل الله ابن علی، النوادر، قم: دارالکتاب.
۱۷. رحیمی یگانه، زهرا، ۱۳۸۶، خانواده شاد و بانشاط، چ ۱، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۸. سخایی، مژگان، ۱۳۸۶، بارقه نور، دفتر دوم، چ ۱، تهران: فرهنگ منهای.
۱۹. شریعتمداری، علی، ۱۳۶۹، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چ ۴، تهران: چاپخانه سپهر.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، مکارم الأخلاق، قم: ناشر الشریف الرضی.
۲۱. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۴۴ش، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبه الحیدریه.
۲۲. الطوسی، محمدبن الحسن، ۱۴۱۱، المصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۳. عاملی، حر، ۱۴۰۶، وسائل الشیعه، چ ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
۲۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۲۵. فلسفی، محمدتقی، بی تا، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: نشر معارف اسلامی.
۲۶. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی ۷.
۲۷. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵، تفسیر صافی، چ ۱، تهران: الصدر.
۲۸. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۲۱ق، محجه البیضاء، چ ۲، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۹. قائمی، علی، ۱۳۷۸، سازندگی و تربیت دختران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۳۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، چ ۹، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵، اصول کافی، چ ۷، انتشارات اسوه.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۲، بحار الانوار، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. محمودی، امیرملک، ۱۳۸۶، راهنمای خانواده، چ ۳۰، انتشارات باران.
۳۵. مظاهری، حسین، ۱۳۸۲، تربیت فرزند از نظر اسلام، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴، تفسیر نمونه، چ ۲۳، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. موحدی، هادی، ۱۳۸۶، یک هزار حدیث، چ ۱۱، انتشارات ارم.
۳۸. نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهر الکلام، چ ۷، دار احیاء التراث العربیه.
۳۹. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ ۱، قم.
۴۰. نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ترجمه غلامحسین مجیدی خوانساری، چ ۳، قم: انتشارات انصاریان.

